

تاریخ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرستان جامع علوم انسانی

شعر

مفاهیم قالب های شعری

□ یوسفعلی میرشکاک

قصیده

قصیده در لغت ماخوذ از قصد توجه کردن و روی آوردن به چیزی یا کسی است و گوینده را در این نوع از سخن مظلوم مقاصدی از قبیل تهنیت و مدح و موعظه و حکمت و جز این منظور است.

از لحاظ نوع شعر، قصیده مجموعه ابیات هموزن و هم قافیه است که اصولاً از یک مقدمه و صفی (تشبیب - نسیب - تغزل) و تخلص به مقصود و دعای ممدوح تشکیل یافته باشد منظور از تشبیب و نسیب و تغزل در مقدمه قصیده آوردن ابیاتی در وصف معشوق یا حالت عاشقی همچنین در وصف مناظر طبیعی از قبیل بهار و خزان و طلوع و برف و غیره و یا ذکر عوالم جوانی و پیریست و تخلص گریز زدن و انتقال یافتن از این پیش درآمد به مدیحه یا مقصود اصلی میباشد و دعا در ابیات آخر قصیده آرزوهای شاعر است در حق ممدوح

بیت اول قصیده را مطلع و بیت آخر آنرا مقطع گویند حد متوسط ابیات قصیده مابین بیست تا هفتاد و هشتاد بیت می باشد.

رودکی و عنصری و انوری و خاقانی و سنائی غزنوی و ناصر خسرو قبادیانی از قصیده سرایان صاحب سبک گذشته اند.

دوبیتی

دوبیتی مانند رباعی و نوعی از آنست، با این تفاوت که وزن دوبیتی مفاعیلن مفاعیل می باشد.
باباطاهر همدانی و فایر دشتستانی از مشاهیر این نوع شعرند.

رُباعی

رباعی (چهارتائی) از دوبیت تشکیل شده است که قافیه در هر دو و مصراع بیت اول و مصراع چهارم رعایت شده باشد.
وزن معمولی رباعی در عروض مفعول و مفاعیل مفاعیلن فاع است که با لاحول و لاقوه الا بالله برابر میباشد.
از رباعی سرایان گذشته ابوسعید ابی الخیر و خیام نیشابوری معروفند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مثنوی

مثنوی منسوب به کلمه مثنی است و بقول استاد جلال الدین همائی مرادف اثنین است که به معنی (دوتا- دوتا) می باشد مثنوی را مزدوج هم میگویند و آن مجموعه ابیات است که در وزن یکی و از نظر قافیه هر بیت دارای قافیه ای مستقل باشد. عده ابیات مثنوی محدود نیست و عرفانی و جزآن که طولانیست می آید. در گذشته مثنوی را در اوزان معین و مخصوصی می سروده اند که تعداد آنها از چند وزن تجاوز نمیکرده است.
مثنویهای خمسه نظامی - مثنوی مولانا - هفت اورنگ جامی - و

غزل

غزل در لغت به معنی معاشره و حدیث عشق و عاشقی کردن است و وجه تسمیه این نوع از سخن به غزل از اینروست که بیشتر مشتمل بر سخنان عاشقانه می باشد اگرچه این معنی وجه لازم غزل سرائی نیست. غزل را از جهت محتوی و مضمون انواعیست که مشهورترین آنها. غزلهای عارفانه و حکیمانه و اخلاقی و اجتماعیت.

این نوع از سخن نیز مرکب از ابیات موزون و مقفائیتست که حد متوسط آن بین شش بیت تا سیزده بیت باشد، بیت اول را مطلع و بیت آخر را مقطع غزل می گویند.

سعدی، حافظ، خواجهی کرمانی، صائب تبریزی و کلیم کاشانی از غزلسرایان مشهورند.

مشوئیه‌های انقلاب

اندیشه گرائی گذشتگان ما را خواهی نخواهی تمدن جدید دگرگون ساخت. این روزها باور انسان بیشتر در گرو دیدنیها و شنیدنیهای اوست به تعبیر دیگر این عصر از جهتی عصر صوت و تصویر است و در عین حال تعالی و تکامل انسان ایجاب می کند که از عالم اندیشه دور نماند.

باتوجه به واقعیات یادشده مشنوئیه‌های شاعران انقلاب گام کوتاهی در طریق این معنی است. در این گونه مشنوی اصولاً موسیقی شعر قراردادی نیست بلکه به مقتضای موضوع و مضمون انتخاب و در صورت لزوم از اوزان عروضی استخراج و ترکیب میشود. در انتخاب تراکیب و کلمات از واژه‌های جدید و معانی کهن

بهره برده ایم. در این نوع از مثنوی فاصله را جایگزین عنوان و موضوع در متن شعر می کنند به این معنی که مثلاً نظامی در مثنوی لیلی و مجنون برای عبور یک پاره شعر که موضوع آن در سخن گفتن مجنون و لیلی است به پاره ای دیگر که عنوان دیگری دارد مثنوی را در پاره اول ختم کرده و موضوع بعدی را در سرفصل پاره دوم عنوان می کند و به ادامه شعر می پردازد ما این عنوان را حذف و با سکوت و فاصله استفاده از تداعی معانی قسمت دوم را در ادامه پاره اول آورده ایم.

فضای حاکم بر تمام شعر نیز با فضای مثنویهای معمولی متفاوت است و اگر بخواهیم برای آن نظیره ای ذکر کنیم بناچار حال و هوای قصاید شعرای عرب را نزدیکترین فضا به آن میدانیم و..... که فرصت آن در این مختصر نیست و انشاء الله بعدها در این باره سخن خواهیم گفت.

شعر نو

مهرداد اوستا و بعضی اساتید دیگر عقیده دارند که جریان شعر نو قبل از مرحوم علی اسفندیاری بوسیله «میرزایحیی دولت آبادی» آغاز گردیده است و نیما (علی اسفندیاری) به غلط پایه گذار این تجدید طلبی بشمار آمده است. بهر صورت حرکت ادبی مذکور که در مقدماتش جای بحث و گفتگوی بسیار است بواسطه این گوینده مازندرانی (نیما اهل یوش مازندران بود) اعتبار یافت. یحیی آریان پور در کتاب از صبا تا نیما می نویسد که «علی اسفندیاری» در ابتدا به سبک معمول قدیم و مخصوصاً به سبک خراسانی شعر می ساخت. اما آشنائی به زبان فرانسه و ادبیات آن زبان راه تازه ای در پیش چشم او گذاشت. این راه تازه همین شعر نو است.

در شعر نو نیمائی وزن و قافیه بصورت گذشته آن (افاعیل عروضی منظم و قافیه معمولی) مورد تعرض قرار گرفت چرا که به عقیده متجددین ادبی اوزان منظم و قافیه مانع بیان گفتنی های شاعرند. این جریان در ادامه خویش به

تعدادی شعرای نوپرداز تقسیمات مختلفی یافت که موضوع سخن ما نیست،
شعرنیمائی و آزاد و سپید از این قبیل تقسیماتند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی